فائزه هاشمی رفسنجانی:

هدف اصلی برای مدیران بیشتر بقاء است تا توجه به شاخص های توسعه و پیشرفت و کشورداری خوب

■ فائزه هاشمی رفسنجانی گفت: جریان اصلاحات را آقای خاتمی رهبری می کند و ایشان هم بیشتر تحت تاثیر نظرات و افکار حزب اتحاد ملت است.

سرویس سیاسی– نماینده مجلس پنجم بود اما پایانِ دوران نمایندگی به معنای پایان فعالیتش در زمین سیاست نبود؛ هرچند همواره تحت عنوان دختر آیت الله هاشمی رفسنجانی مورد خطاب قرار گرفته است اما تا حد زیادی توانست خود را از زیر سایه نام پدر خارج کند و با شخصیتی مستقل در اذهان شناخته شود و برای همین است که با شنیدن نام فائزه هاشمی رفسنجانی اظهارات و اقداماتش در عرصه سیاست و زنان در ذهن تداعی می‌شود.

بهانه برای آنکه به سراغ فائزه هاشمی رفسنجانی برویم و گپ و گفتی با او داشته باشیم کم نبود. از شائبه‌ها و شایعه‌ها حول حزب کارگزاران گرفته تا اختلافات زیر پوست جریان اصلاحات و ریاست جمهوری زنان در انتخابات ۱۴۰۰ همه و همه ما را رو به روی فائزه هاشمی رفسنجانی نشاند تا از او سوال‌هایمان یا شاید سوال‌هایتان را بپرسیم.

سرعتش در صحبت کردن آنقدر زیاد است که گاهی مخاطب از چیدن کلمات در کنار یکدیگر عقب می‌ماند؛ «من از کسانی بودم که سال ۹۸ در انتخابات مجلس شرکت نکردم و در چند مصاحبه هم گفتم که نه تنها منطقی برای مشارکت در این انتخابات نیست،برعکس دلایل قوی برای عدم مشارکت وجود دارد»، وقتی صحبت‌ها به انتخابات و مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری می‌رسد این جمله را با همان سرعت به زبان می‌آورد؛ انتقاداتش به اصلاح‌طلبان کم نبود و حتی این انتقادات متوجه لیدری جریان اصلاحات و شخص سید محمد خاتمی هم شد.

فائزه هاشمی درباره علاقه حزب کارگزاران برای تبدیل شدن به پدرسالار اصلاحات نیز گفت: «جریانی که پدرسالار است حزب اتحاد ملت است که نزدیکترین به آقای خاتمی است، جریان اصلاحات را آقای خاتمی رهبری می کند و ایشان هم بیشتر تحت تاثیر نظرات و افکار این حزب است.»

صحبت‌ها به ریاست جمهوری زنان و حرف‌های دوپهلوی اعضای شورای نگهبان درباره کاندیداتوری و تائید صلاحیت زنان در انتخابات ریاست جمهوری هم رسید و او هم احمد خاتمی را مخاطب قرار داد و گفت: «ایشان که عضو فقهای شورای نگهبان هستند گفتند رجل یعنی مرد و هیچ زنی نمی تواند رئیس جمهور شود. آقای خاتمی شما که مثلا فقیه هستید و قرآن را بلدید، تعدادی آیه داریم که رجل را به معنای انسان به کار برده است و شما این را نمی دانید؟»

در ادامه مشروح گفتگوی فائزه هاشمی، عضو حزب کارگزاران را بخوانید؛

خانم هاشمی! گفتگو را با موضوع حزب کارگزاران شروع کنیم؛ در افکار عمومی این تفکر جا افتاده است که این حزب، حزبی خانوادگی است، برخی هم معتقدند که کارگزاران به دنبال ایفای نقش پدرسالاری در جریان اصلاحات است، پاسخ شما به این اظهارات چیست؟

کارگزارانی که چندین سال است تقریبا در جریان اصلاحات تصمیم گیر مؤثر نیستند چگونه می خواهند نقش پدرسالاری را ایفا کنند. با این نظر موافق نیستم. درست است که وزرا یا معاونان بابا این حزب را تاسیس کردند و شعارها و اهداف حزب کارگزاران از تفکرات توسعه ای بابا بود، ولی به خاطر ندارم که بابا به آنها گفته باشد این کار را کنید یا نکنید، مگر اینکه خودشان مشورت می کردند و بابا هم نظر خودش را می گفت، اینطور نبود که این حزب توسط بابا هدایت شود.

اینکه کارگزاران نقش پدرسالارانه را در جریان اصلاحات بازی می کنند درست نیست. جریانی که پدرسالار است حزب اتحاد ملت است که نزدیکترین به آقای خاتمی است، جریان اصلاحات را آقای خاتمی رهبری میکند و ایشان هم بیشتر تحت تاثیر نظرات و افکار این حزب است. مواردی بوده که کارگزاران با آقای خاتمی در یک موضوعی بحث کرده اند، پیشنهاد دیگری داده اند اما ایشان بدون منطقی آن را قبول نکرده یا منطق ضعیفی داشته که قابل قبول نبوده است.بنظرم اینگونه که می گوئید نیست.

منبع مالی حزب کجاست؟ آیا آن هم وابستگی به خانواده آیت الله دارد؟

خیر، معمولا دبیر کل تامین مالی می کند، اعضای حزب حق عضویت پرداخت می کنند و اگر دستشان برسد کمک هم می کنند.

جایگاه کارگزاران در جریان اصلاحات کجاست؟ شما خودتان کارگزاران را راست مدرن یا معتدل یا کاملا اصلاح طلب می دانید؟

دوره به دوره فرق می کند. کارگزاران یک حزب اصلاح طلب است، از زمان تاسیس به دنبال توسعه بوده، یک گروه تکنوکرات هستند که از نظر من به همین دلیل بهترین است، چون اعضای آن مدیرانی هستند که معمولا واقع بینانه و بدور از شعار و احساسات و سیاست زدگی فکر و عمل می کنند. البته این را نیز بگویم که چند سالی است که مثل اکثر احزاب اصلاح طلب شاخص های اصلاح طلبی کمتر در آنها دیده می شود.

یعنی به اصولگرایان گرایش پیدا کرده اند؟

بیشتر در کنار حاکمیت قرار گرفته اند.

خانم هاشمی! این روزها صحبت از انتخابات ۱۴۰۰ زیاد می‌شود اما موضوعی که می توان آن را یک معضل جدی در انتخابات خرداد ۱۴۰۰ دانست بحران مشارکت است، یعنی همان چیزی که در سال ۹۸ دیدیم و احتمال تکرار آن در ۱۴۰۰ است. به نظر شما احزاب، گروه ها و جریان های سیاسی قرار است مردم را چگونه متقاعد کنند که دوباره پای صندوق بیایند؟

من از کسانی بودم که سال ۹۸ در انتخابات مجلس شرکت نکردم و در چند مصاحبه هم گفتم که نه تنها منطقی برای مشارکت در این انتخابات نیست، برعکس دلایل قوی برای عدم مشارکت وجود دارد. از آن موقع تا کنون هم نکته مثبتی که انگیزه برای رأی دادن در انتخابات ۱۴۰۰ بوجود آورده باشد اتفاق نیفتاده، متقاعد کردن مردم به اعمال افراد، احزاب و مقامات بستگی دارد. اینکه گفتم کارگزاران و بسیاری دیگر از احزاب اصلاح طلب مدتی است از اصلاحات فاصله گرفته اند یکی از دلایلی است که مردم از صندوق های رأی فاصله گرفته اند، میگویند که اگر قرار است ما به اصلاح طلبان رأی دهیم وآنها بخواهند بر کارهای حاکمیت سرپوش گذارند و یا خودشان همان خطاها و سیاست های غلط را دنبال و تکرار کنند، چرا رأی دهیم؟

اصولگرایان را که نمی خواهیم و تکلیفشان معلوم است، اصلاح طلبان هم بعد از پیروزی ها در سه انتخابات قبل از ۱۳۹۸ عملکرد قابل دفاعی نداشتند، پس از اینها هم راضی نیستیم. بدین ترتیب رای ما یک نمایش و ابزار شده است برای بهره برداری در مسیر نادرست.

لذا مهمترین راهی که وجود دارد عملکرد است و نه شعار و حرف، یعنی اگر قرار است اصلاح طلبان مردم را راضی کنند تا رای دهند باید عملکرد شان طوری باشد که مردم باور کنند که خودشان روند دموکراتیک و توسعه یافته و شاخص های اصلاح طلبی را دارند.

نشان دهند که حاضرند بخاطر شاخص های اصلاح طلبی هزینه بدهند. منظور من جدل و براندازی نیست، ولی اگر اصول و آرمانی داریم باید پای آن بایستیم و نمی توانیم از آن عبور کنیم.

اگر در عمل نشان داده شود که بعید میدانم در این فرصت کوتاه چنین شرایطی محقق شود شاید عده ای رأی دهند. من معتقدم که رای ندادن در ۱۳۹۸ نتیجه خشم از اصولگرایان نبود، قبلا رأی می دادند تا شاید اصلاح طلبان کاری کنند و از اصولگرایان خلاص شوند، متأسفانه اصلاح طلبان هم جامعه را نا امید کردند. پس چرا به اصلاح طلبان رأی دهیم.اگر قرار است در نهایت همه مثل هم باشند. به نظر من در شرایط فعلی دلیلی برای رای دادن وجود ندارد، البته بخاطر نتیجه انتخابات امریکا ممکن است اتفاقاتی در کشور بیفتد و انگیزه هایی برای رأی دادن ایجاد شود.

یعنی فکر می کنید روی کار آمدن بایدن می تواند نقطه امیدی برای انتخابات و حضور اصلاح طلبان باشد؟

نه،به روشهای اینطرف برمی گردد، چگونه می خواهیم از روی کار آمدن بایدن برای منافع ایران و حل مشکلات کشور استفاده کنیم.آن روش ها است که ممکن است عده ای را متقاعد کند تا رای دهند.

من اگر امریکایی بودم و یا به عنوان یکشهروند جهانی اگر حق رأی داشتم به آقای ترامپ رای نمی دادم، ولی برای ایران ایشان را ترجیح می دادم. دموکرات ها قبلا هم روی کار بودند، اگر ما از این رفتارهای غیر معقول دست بر نداریم فرق آنچنانی در دراز مدت ندارد، بعد از یک تأثیر روانی کوتاه مدت باز همان آش و همان کاسه است.

در دی ماه ۹۶ و اعتراضات ۹۶، یک شعاری از دل این اعتراضات بیرون آمد و آن «اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا» بود که به یک معنا عبور از اصلاح طلبی و اصولگرایی بود. به نظر شما الان در این مقطع ما به پایان اصولگرایی و اصلاح طلبی رسیده ایم؟

نه، آن شعار بخاطر نا امیدی مردم به ویژه معترضین از اصلاح طلبان بود چون آن موقع اکثر این احزاب و افراد اصلاح طلب بیانیه هایی دادند و یا چیزهایی گفتند و عملا در کنار حاکمیت و آن سرکوب ها ایستادند و یک جوری حرف ها و اعمال آنها را تایید کردند. اصلاح طلبان بهتر از هرکسی می دانند که معمولا عده ای را بین معترضین می فرستند تا اخلال کنند و بعد به این بهانه جمعیت را سرکوب کنند.اصلاح طلبان می دانند که این اخلالی نیست که معترضین شروع کرده باشند، به همین دلیل هم آن بیانیه ها و اظهار نظرها قابل قبول نبود. جریان اصلاح طلبی ما راه را اشتباه رفته ولی اصلاح طلبی تمام شدنی نیست، مگر راهی جز اصلاحات وجود دارد؟

با توجه به اینکه اقبال مردم کم شده است آیا ما می توانیم بگوییم نیاز به یک جریان سومی است؟

من هم چنین اعتقادی دارم، چون عملکرد اصولگرایان معلوم سال‌ها است که معلوم است و اصلاح طلبان هم در این چند سال اخیر در مجلس و شهرداری ها و شورای شهر و ریاست جمهوری عملکرد خودشان را نشان دادند.

بنظر می رسد هدف اصلی برای مدیران بیشتر بقا است تا توجه به شاخص های توسعه و پیشرفت و کشورداری خوب. اعتقاد دارم که اگر کشور می خواهد در مسیر درستی قرار گیرد باید از دست این دو جریان سیاسی خارج شود و یکسری مدیر واقعی غیر ایدئولوژیک که یا حذف شده اند، یا خود کنار رفته اند و یا از کشور رفته اند بر سر کار بیایند. دچار سوء مدیریت هستیم و با این شاخص های مدیریتی موجود حتی در دولت آقای روحانی هم کمتر مدیر شایسته ای انتخاب شد و حتی در شهرداری ها هم، انتهای مدیریت ما همین است، من اعتقاد ندارم که آقای روحانی فقط دچار فشارها و موانعی بوده که اصولگراها برای او ایجاد کردند، بخشی از آن هم به سوءمدیریتی برمی گشت که در دولت وجود داشت.

شما به عملکرد اصلاح طلبان در شورای شهر هم انتقاد وارد کردید. یعنی به آقا محسن هم انتقاد دارید؟

بله. تصمیمات در شورای شهر بر اساس رأی اکثریت است، محسن ۱ نفر بین ۲۱ نفر است، محسن مدیریت رأس را به تنهایی ندارد محسن قبلا در مترو و دانشگاه آزاد بوده و مدیریت موفق خود را نشان داده، اینجا خودش تصمیم گیر نهایی نیست و مجموعه باید تصمیم گیری کند. عملکرد شورای شهر و شهرداری ها هم عملکرد مناسبی نبوده.

مهمترین عملکرد شورای شهر انتخاب شهردار بود، عملکرد سه شهردار تهران در این دوره و اکثر شهرهای دیگر قابل دفاع نیست.

انتقادات زیادی را متوجه اصلاح طلبان می‌دانید این انتقادات چقدر به لیدری آقای خاتمی وجود دارد؟

متأسفانه خود اصلاح طلبان هم دموکرات نیستند و در درون خودشان اعتقاد واقعی به دموکراسی ندارند، این موضوع به لیدری آقای خاتمی هم برمی گردد، در شورای عالی اصلاح طلبان افراد بیشتر بر اساس سلیقه آقای خاتمی حضور دارند، سیستمی وجود ندارد که چند درصد زنان، چند درصد جوانان و کلا چه ترکیبی آنجا باشند، بخشی از ناامیدی اصلاح طلبان از جمله خودم همین جا است، همچنین این روند دموکراتیک در احزاب هم کمتر وجود دارد، خود اصلاح طلبان در درون خودشان نیاز به اصلاحات جدی دارند.

اگر قرار باشد اصلاح طلبان برای لیدری یک جایگزین انتخاب کنند...

نشنیده ام کسی دنبال جایگزین باشد، چنین صحبتی نیست. اگر کسی نقد می کند به این معنی نیست که دنبال جایگزین است، نقد می کنند تا اصلاح شود، اصلاحات را باید از خودمان شروع کنیم.

اصلا می شود جایگزینی برای لیدری گذاشت؟

هرچیزی شدنی است، ولی الان چنین تفکری وجود ندارد، حداقل من چیزی نشنیده ام.

الان نقش مجمع روحانیون کجاست؟ آنها چقدر می توانند این لیدری را به عهده گیرند؟

این ها حزبی هستند مثل سایر احزاب اصلاح طلب، برجستگی ویژه ای ندارند که بخواهند لیدر باشند یا دیگران آنها را بعنوان لیدر بپذیرند.

به نظر شما در بحث انتخابات ۱۴۰۰ مجمع روحانیون چقدرمی توانند آن وحدت را ایجاد کنند؟

نظر خاصی در این باره ندارم.

این سوال را بر اساس جلساتی که اخیرا مجمع روحانیون مبارز برگزار کرده است می‌پرسم

اگر جلسات درون حزبی است، تصمیمی که یک حزب درون خودش می گیرد نمی تواند آن را به سایر احزاب تعمیم دهد مگر اینکه جلساتی بگذارند و از همه احزاب دعوت کنند همانطور که گفتم اطلاعی در این زمینه ندارم.

این احتمال وجود دارد که شورای عالی سیاست گذاری کلا کنار گذاشته شود و ساز و کار مشابه دیگری شکل گیرد؟

تا جایی که می دانم صحبت ها برای اصلاح این شورا بود. مثلا پیشنهاد شد که به جای شورای عالی، پارلمان اصلاحات تشکیل شود که اعضای آن تعریف شده باشند، کسی سلیقه ای عمل نکند و برآیندی واقعی از همه اصلاح طلبان فعال باشد، یعنی رهبر اصلاحات امتیازات خاص نداشته باشد، احزاب بر اساس عملکردشان، و نه بصورت برابر در این پارلمان نماینده داشته باشند، جایگاه زنان و جوانان مشخص باشد، اولین پیشنهاد دهنده پارلمان اصلاحات هم بنظرم کارگزاران بود، بعد از آن احزاب دیگر هم یکسری پیشنهاداتی دادند.

یعنی شورای عالی سیاست گذاری تکامل پیدا کند و با شاخص های واقعی اصلاح طلبی تطابق بیشتری داشته باشد.

در بحث مشارکت اصلاح طلبان در انتخابات آینده دو نگاه وجود دارد. عده ای میگویند باید منتظر شویم و ببینیم شورای نگهبان چه اقدامی میکند(گزینه ها را تایید یا رد می کند)، عده ای هم میگویند به هر نحوی باید در انتخابات شرکت کنیم. نظر شما چیست؟

با شرایط فعلی من مخالف شرکت کردن هستم و دلایل آن را توضیح دادم.

یعنی بخاطر انتقاداتی که به خود اصلاح طلب‌ها وارد می‌دانید؟

تا حدودی بله. چون ما به چه کسی رای دهیم؟ به اصلاح طلبی که وقتی وارد حاکمیت می شود همان شود؟ به کسی که عملکرد اصلاح طلبی نداشته باشد؟ چرا رأیمان را به صندوقی بیاندازیم که باعث تقویت سیاست های اشتباه شود و فایده ای برای کشور و جامعه و مردم هم نداشته باشد.

با نگاهی که الان به تحرکات جریان‌ها و گروه های اصلاح طلب دارید چه پیش بینی برای انتخابات ۱۴۰۰ دارید؟ آیا قرار است اصلاح طلبان به مدل ۸۴ برسند که با چند کاندیدا آمدند یا به مدل ۹۲ برسند که حتی کاندیدای اصلاح طلب را بیرون کشیدند و با یک اصولگرا اجماع کردند؟

واقعیت این است که در سال ۹۲ آقای عارف در مجموعه اصلاح طلبان رأی نیاورد. کسانی که به آقای روحانی رسیدند هم بخاطر حمایت بابا بود (که متاسفانه بعد از فوت بابا ایشان یک مدل دیگر شد و نمی دانیم آن قدرت و قوت کجا رفت و چگونه ناپدید شد و در مسیر غلطی قرار گرفت) به هرحال منطقی این است که اگر بخواهند شرکت کنند با یک کاندیدا بیایند.

برخی اصلاح طلبان به قدرت که می رسند از اصولگرایان اصولگراتر می شوند

این احتمال وجود دارد که حول یک اصولگرا جمع شوند؟

بعید میدانم، برخی اندک، آقای علی لاریجانی را مطرح میکردند که بنظر نمیرسد ایشان بخواهند کاندیدا بشود. بنابراین احتمال اینکه بخواهند از کاندیدای اصولگرای دیگری حمایت کنند حداقل تا الان نشنیده ام. استدلال بعضی این است که اگر یک اصولگرای معتدل با تفکری که به اصلاح طلبان نزدیکتر است رئیس جمهور شود بهتر از یک اصلاح طلب ضعیف عمل می کند چون برخی از اصلاح طلبان در قدرت که قرار گرفته اند از اصولگرایان اصولگراتر شده و از اصلاحات فاصله گرفته اند، یعنی شهامت انجام کوچکترین کاری در جهت شاخص های اصلاح طلبی را نداشتند و بیشتر دنبال بقا و حفظ موقعیت خود بوده اند، ولی یک اصولگرا چون با خودشان است اگر معتدل و قوی باشد می تواند موفق تر عمل کند.

نکته جالب آن این بود که دو کاندیدای زن هم در آن لیست معرفی شده بودند، شما به عنوان یک زن فعال سیاسی در حزب کارگزاران و در جریان اصلاحات چقدر دنبال این هستید که یک زن را به عنوان یک کاندیدا معرفی کنید؟

در شرایط فعلی به دنبال معرفی کاندیدای زن نیستم چون قصد شرکت در جریان انتخابات را ندارم، ولی یک کمپین خوبی راه افتاده که احیای حق زنان برای رئیس جمهور شدن است،یعنی شورای نگهبان کلمه رجل سیاسی را تفسیر رسمی و قانونی کند و این حقی که سالها از زنان گرفته اند را به آنها برگرداند، هرچند بعید می دانم یک زن به عنوان رئیس جمهور رأی بیاورد. وقتی در مجلس، نمایندگان زن ما آنقدر کم هستند، نشان می دهد که جامعه زنان را کمتر در موقعیت های سیاسی کلان قبول دارد. بنابراین الان مهم نیست که ما رئیس جمهور زن داشته باشیم بلکه بحث این است که این حق ضایع شده زنان احیا شود و کلمه رجل سیاسی فقط شامل مردان نباشد.

نزدیک همه انتخابات ها شورای نگهبان اعلام می کند که زن ها می توانند ثبت نام کنند اما درباره تایید صلاحیتشان می گوید که فقها باید نظر دهند. این حرفهای شورای نگهبان چقدر می تواند شوی انتخاباتی باشد؟

این دفعه قدری متفاوت بود؛در ابتدا آقای کدخدایی گفتند برای رئیس جمهور شدن زنان منع قانونی وجود ندارد، یعنی دربررسی صلاحیت ها به خاطر زن بودنشان رد نمی شوند مگر اینکه شرایط مدیر بودن را نداشته باشند،همان موقع هم این تصور به وجود آمد که آقای کدخدایی برای ایجاد انگیزه برای کشاندن مردم پای صندوق های رأی این حرف را می زند. در نهایت آقای کدخدایی جا زد و چیز دیگری گفت، ایشان این دفعه گفتند زنان برای ثبت نام مشکلی ندارند، مگر برای ثبت نام نیاز به گفتن شما بود؟ معلوم بود که مشکل ندارند. این حرف جدید این تصور که دنبال رأی مردم هستند را تقویت کرد. چون بعد از صحبت اول ایشان این بحث مطرح شد که ما رئیس جمهور زن نمی خواهیم بلکه فقط ما دنبال احیای این حق هستیم. فکر می کنم اینها فکر کردند که اگر قرار باشد زنان را تایید کنیم ولی اثری در افزایش آرا نداشته باشد، چرا از موضع خودمان عقب نشینی کنیم و بشود آش نخورده و دهان سوخته. لذا آقای کدخدایی جا زد و حرفش را عوض کرد. تحلیل این است که انگیزه اصلی همان شوی تبلیغاتی بود.

آقای سید احمد خاتمی شما فقیه هستید و قرآن بلدید آیا نمی دانید رجل به معنای انسان است؟

یعنی فکر می کنید که عزم آنها تایید صلاحیت نیست؟

بنظر این طور می آید. آقای احمد خاتمی که عضو فقهای شورای نگهبان هستند گفتند رجل یعنی مرد و هیچ زنی نمی تواند رئیس جمهور شود. آقای خاتمی شما که مثلا فقیه هستید و قرآن را بلدید، تعدادی آیه داریم که رجل را به معنای انسان به کار برده است و شما این را نمی دانید؟

آقای بهشتی با این هدف کلمه رجل را گذاشت که اگر زمانی شرایط جامعه برای ریاست جمهوری زنان مناسب بود زنان هم بتوانند کاندیدا شوند وگرنه می توانست بنویسد مرد! چرا مرد نگذاشت؟ چون آن موقع مخالفت می کردند، پس رجل را نوشت، که شاید در زمانی تفسیر درست از آن بشود. کمتر کسی است که نداند رجل سیاسی یعنی شخصیت برجسته سیاسی اعم از زن و مرد. بابا هم در حول و حوش انتخابات ۱۳۹۲ و یا ۱۳۹۶ مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی را بیان کرد و همین توضیحات را داد.

آقای بهشتی با این هدف کلمه رجل را گذاشت که اگر زمانی شرایط جامعه برای ریاست جمهوری زنان مناسب بود زنان هم بتوانند کاندیدا شوند وگرنه می توانست بنویسد مرد! چرا مرد نگذاشت؟ چون آن موقع مخالفت می کردند، پس رجل را نوشت، که شاید در زمانی تفسیر درست از آن بشود. کمتر کسی است که نداند رجل سیاسی یعنی شخصیت برجسته سیاسی اعم از زن و مرد. بابا هم در حول و حوش انتخابات ۱۳۹۲ و یا ۱۳۹۶ مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی را بیان کرد و همین توضیحات را داد.

الان نزدیک ۶ ماه است که از تشکیل مجلس یازدهم می گذرد، نگاه و نظرتان درباره عملکرد زنان مجلس یازدهم چیست؟ اگر بخواهید آن را با مجلس دهم مقایسه کنید چگونه است؟

اختلاف بینش زیادی وجود دارد. زنان مجلس دهم عمدتا اصلاح طلب و به دنبال حقوق زنان و رفع تبعیض ها بودند، زنان مجلس یازدهم عمدتا اصولگرا هستند و اعتقادی به آن چیزی که اصلاح طلبان به عنوان حقوق زنان می گویند، ندارند. مخالف این هستند که مثلا کودک همسری منع شود، یا مخالف این هستند که تبعیض ها در خانواده بین زن و مرد حذف شود. بنابراین در حوزه زنان با توجه به زنانی که در مجلس یازدهم هستند خیلی امیدی به اصلاح قوانین در جهت رفع تبعیض ها وجود ندارد، اعتقادی به مدیریت زنان ندارند.

خودشان مدیر، وزیر یا نماینده مجلس شده اند اما اینکه خانم ها بتوانند این شرایط را به طور عمومی داشته باشند خیلی موافق نیستند و زن را بیشتر در خانواده تعریف می کنند، برای همین به مجلس یازدهم در مورد موضوعات زنان امیدی وجود ندارد. البته یکی از خانم های نماینده از ریاست جمهوری زنان دفاع کرده بود و تعدادی از آقایان اصولگرا هم از این حق زنان دفاع کردند. خارج از حوزه زنان به نظر نمی رسد تا الان مجلس یازدهم عملکردی داشته باشد، چیزی که من می بینم بیشتر شعارهای افراطی و انتخاباتی و عدم دانش است.

مثلا نقدهایی که به آقای روحانی وارد می کنند به آقای روحانی ربطی ندارد، خطاب آنها سیاست های کلان و تصمیم گیری های بالاتر است که مملکت را به اینجا رسانده است، وقتی ما رابطه ای با امریکا نداریم آقای روحانی چه نقشی می تواند داشته باشد؟ وقتی ما FATF را امضا نکرده ایم و روابطمان را با دنیا بخصوص با کشورهای همسایه به هم ریختیم آقای روحانی چه کار می تواند بکند؟ آقای روحانی در مورد بخش هایی زیر سؤال است ولی حرفهایی که اینها می زنند خودشان می دانند که مخاطبش آقای روحانی نیست.

تعجب می کنم که چرا اینها را به آقای روحانی می گویند. تا کنون عملکرد آنچنانی از مجلس یازدهم ندیده ام. باید به اینها گفت که نگران انتخابات ۱۴۰۰ نباشید، آنهایی که می خواهند به شما رای دهند پای صندوق می آیند و آنهایی که نمی خواهند به شما رای دهند پای صندوق ها نمی آیند، یعنی شما رأی می آورید، بنابراین نیاز به این همه جنجال و هیاهو و بی تقوایی نیست.

احمد حکیمی‌پور فعال سیاسی اصلاح‌طلب:

شورای عالی به احزاب اصلاح‌طلب لطمه زد

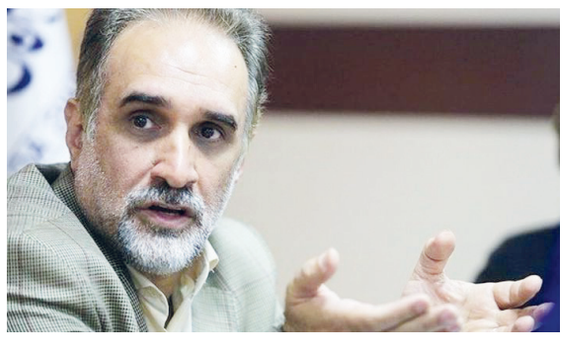

سرویس سیاسی– احمد حکیمی‌پور گفت: گویا که عده‌ای حاکم بی‌حکم، در شورای عالی فرمانروایی می‌کردند و هر کجا کم می‌آوردند آقای خاتمیَ را خرج می‌کردند و هر گونه انتقاد به شورای عالی سیاست‌گذاری را تضعیف آقای خاتمی قلمداد می‌کردند.

اخیرا رسول منتجب‌نیا در انتقادهای تندی نسبت به اصل شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان گفته است که از تشکیل این شورا از اساس ایراد داشت و نباید شکل می‌گرفت. این سخن در حالی است که این شورا بعد از انتخابات مجلس تا کنون هیچ جلسه‌ای برگذار نکرده است و بعد از استعفای عارف و موسوی‌لاری به عنوان رئیس و نایب‌رئیس شورای عالی گفته می‌شود که عملا شورای عالی سیاست‌گذاری از بین رفته است. از سوی دیگر شورای عالی سیاست‌گذاری در سال‌های فعالیتش همواره مورد انتقاد برخی اصلاح‌طلبان قرار داشت.

احمد حکیمی‌پور، فعال سیاسی اصلاح‌طلب درباره سرنوشت شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان گفت: «شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان بعد از انتخابات مجلس یازدهم هیچ جلسه‌ای نداشته است و بعد از انتخابات اسفندماه هم آقایان عارف و موسوی‌لاری از مسئولیت خود کناره‌گیری کردند. با چنین وضعیتی شورای عالی عملا کاری انجام نمی‌دهد و در حال حاضر نقشی در مناسبات سیاسی و انتخاباتی اصلاح‌طلبان ایفا نمی‌کند».

او ادامه داد: «من از ابتدا هم منتقد شورای عالی سیاست‌گذاری بودم زیرا این شورا عملا احزاب را تضعیف می‌کرد. اکنون هم ادامه شورای عالی سیاست‌گذاری به صلاح اصلاح‌طلبان نیست و همه باید در پی یک سازوکار اجماعی بهتر باشیم که شمولیت بالایی هم داشته باشد و همه طیف‌ها، تشکل‌ها و احزاب را شامل شود. ما مدت زیادی که برای ایجاد پارلمان اصلاحات یا همان مجمع عالی اصلاح‌طلبان تلاش کردیم اما با کارشکنی برخی و ایجاد بحث‌های فرسایشی از سوی آنها امکان ایجاد آن مجمع عالی فراهم نشد».

او در توضیح کارشکنی‌های برخی در مسیر تشکیل پارلمان اصلاحات، اظهار کرد: «ما بعد از تشکیل مجلس دهم پیگیر تشکیل مجمع عالی بودیم اما عده‌ای در شورای عالی سیاست‌گذاری خود را قیم همه احزاب می‌دانستند و به جای همه تصمیم می‌گرفتند. گویا که عده‌ای حاکم بی‌حکم، در شورای عالی فرمانروایی می‌کردند و هر کجا کم می‌آوردند آقای خاتمیَ را خرج می‌کردند و هر گونه انتقاد به شورای عالی سیاست‌گذاری را تضعیف آقای خاتمی قلمداد می‌کردند».

حکیمی‌پور تصریح کرد: «واقعا امر پیچیده‌ای نیست که در عرصه سیاسی احزاب باید فعال باشند. هر عرصه‌ای فعالان خود را دارد؛ فوتبال، بازیکن می‌خواهد، جشنواره فیلم فجر، کارگردان می‌خواهد، جشنواره کتاب، ناشر می‌خواهد و سیاست هم نیاز به احزاب دارد تا به صورت دموکراتیک پیش برود. باید تشکیلات‌های شناسنامه‌دار کار کنند. واقعا از برخی اصلاح‌طلبان بعید است که هنوز این قاعده مشخص را درک نمی‌کنند. وقتی احزاب کار کردند، در بزنگاه‌های مهم درو هم جمع می‌شوند بر سر یک موضوع واحد به توافق می‌رسند. ایجاد یک جبهه واحد واقعا خنده‌دار است. شورای عالی فضایی بود که برخی فعالیت‌های پشت پرده خود را به نام اصلاح‌طلبی انجام دهند».

این فعال سیاسی در پاسخ به این پرسش که آیا در صورت احیای شورای عالی حزب اراده ملت همراه این شورا خواهد شد یا خیر، گفت: «ما فعلا ترجیح داده‌ایم بر فعالیت حزبی خودمان متمرکز شویم و مطالبات واقعی مردم را شناسایی و در انتخابات شوراها ورود کنیم. البته همراه دیگر اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ خواهیم بود اما نامزد حزبی نداریم. هرچه هم خیر باشد همراهش خواهیم بود. به هر حال باید منتظر بمانیم و ببینیم که اگر احیانا دوباره شورای عالی سیاست‌گذاری شکل گرفت و نواقص گذشته را نداشت و می‌توانست خیریتی به اصلاحات برساند ممکن است همراه شویم اما آنچه تا آخرین روز جلسات این شورا دیدیم لطمه به احزاب اصلاح‌طلب بود».

ترکان عضو حزب اعتدال و توسعه :

حزب اعتدال و توسعه برای انتخابات ۱۴۰۰ جلسه‌ای تشکیل نداده است

سرویس سیاسی– عضو حزب اعتدال و توسعه گفت: درباره تمام مسائل مربوط به حزب، نوبخت صحبت می کند.

«اکبر ترکان»، از اعضای حزب اعتدال و توسعه، در پاسخ به این سوال که برنامه های این حزب برای انتخابات سال آینده چیست و آیا برای انتخابات ۱۴۰۰ کاندیدایی مستقل خواهید داشت یا ائتلافی؟ گفت: درباره کارها و برنامه های حزب اعتدال و توسعه، نوبخت صحبت می کند و غیر از او، قرار نیست بقیه صحبت کنند.

او در پاسخ به این سوال که آیا محمدباقر نوبخت کاندایدای احتمالی حزب اعتدال و توسعه است؟ افزود: خیر، صحت ندارد. بهتر است نوبخت خودش در این باره صحبت کند؛ قرار شد همه مسائل مربوط به حزب از سوی دبیرکل اعلام شود.

ترکان درباره برنامه های حزب برای انتخابات ادامه داد: هنوز درباره این مسائل گفت و گویی در حزب صورت نگرفته، حتی فرصتی برای تشکیل جلسه رخ نداده است. حتما تا ماه های آینده، جلسه و برنامه هایی خواهند داشت.

این عضو حزب اعتدال توسعه در این باره که اصولگرایان جلساتی را به صورت مجازی برگزار می کنند چرا حزب اعتدال و توسعه برگزار نمی کند؟ عنوان کرد: به این دلیل که مشخص نیست، غیر اصولگراها در انتخابات تایید صلاحیت شوند همانطور که در انتخابات مجلس رخ داد. بنده از اصلاح طلبان شنیده ام که کاندیداهای آنها در هیچ حوزه انتخابیه ای، تایید صلاحیت نشدند وقتی اینها تایید صلاحیت نشوند، طبیعی است که رقابت بین اصولگرا و اصولگرا است حال چه فرقی می کند که کدام یک از آن دو برنده شوند. وقتی که رقابتِ صرف بین اصولگرایان باشد و در مقابل از اصلاح طلبان، کاندیدایی تایید صلاحیت نشود این رقابت، رقابت جامعی نیست.

او در این باره که چرا برخی اصولگرایان تلاش دارند از شهادت دکتر محسن فخری زاده نیز در راستای تخریب دولت روحانی بهره ببرند؟ تصریح کرد: اینها به دنبال تسویه حساب ها هستند. یک شهید عزیزی که همه زندگی خودش را صرف تقویت انقلاب اسلامی کرده شأن آن، بسیار بالاتر از این حرف های سخیفی است که برخی سیاسیون بیان می کنند. او در مرتبه بسیار بالایی است که همه چیز خود را برای این نظام گذاشته و در تقویت نظام و نیروهای مسلح و تقویت پایه های علمی کارهای دفاعی، همه زندگی خود را صرف کرده است. از این رو بی انصافی است که در نگاه به این پدیده، اظهارات جناحی مطرح شود. او در پایان با اشاره به تخریب ها در راستای انتخابات ۱۴۰۰ گفت: آنچه در مجلس رخ داده این گونه به نظر می رسد اگر روال در انتخابات ریاست جمهوری هم بدین گونه باشد و فقط اصولگرایان تایید صلاحیت شوند این رقابت، رقابت ناقصی است. کاندیدای مستقل هم هیچ شانسی نخواهند داشت.

اقتصاد کیش روزنامه
پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش
گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش
۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹